



The Will and Its' Impact on Criminal Liability; with an Approach to the Legal System of Islamic Countries

Seyed Doraid Mousavi Mojab¹

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Iran, Tehran,
Corresponding Author, d.mojab@modares.ac.ir

Abstract

Nowadays, in most of legal systems in the world, following fundamental legal changes and under the influence of new findings and scientific doctrines in the scope of criminal liability, the necessity of obtaining prerequisites and characteristics before imposing punishment on a person (criminal capacity), has been emphasized. Based on this, in the law, explicitly or implicitly, they have talked about the necessity of knowledge and the will. Therefore, it's important to pay attention to the will and its fundamental components, namely Conception, Deliberation, Internal willing and Execution, and also the analysis of the effect of making damage to any of those are necessary in the scope of causes of non imputability. In the formation of voluntary action, a systematic relationship is visible among its components. Making damage to any of the aforementioned components, will exclude the committed action from being described as willful. In fact, making damage to a component or components of the will, could result in a complete or partial disappearance of criminal liability. It is necessary to prove the existence of a will in all crimes, whether intentional or unintentional, and this is more of a medical-specialized aspect than a legal one. The comprehensive understanding of the penal legislator of the will's concept and its general interpretation in this regard is one of the important challenges of the Islamic Penal Code in the scope of criminal responsibility. In the legal system of most Islamic countries, while recognizing the concept of will from seemingly similar concepts such as intention, intention and free will, the criminal legislator has paid attention to the effect of violating each of the components of will as sensual identity, and in particular, while emphasizing the need to establish authority in committing behavior, without exclusiveness in a specific or predetermined framework, the legislator has emphasized the importance of expert and specialized opinion in verifying the presence or absence of will. The research method in this article is descriptive-analytical and by using library resources, the author try to explain the nature and importance of will. Moreover, the legislator's approach in this regard will be analyzed and criticized.

Keywords: The Will, Criminal Capacity, Criminal liability, Causes of non Imputability

Received: 01/02/2024

Accepted: 16/03/2024

How To Cite: Mousavi Mojab, Seyed Doraid, (2024) . The Will and Its' Impact on Criminal Liability; with an Approach to the Legal System of Islamic Countries , *Criminal law doctrines of Islamic countries*, 1 (1), 64-82.

doi.org/10.22091/DCLIC.2024.2779

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



اراده و تأثیر آن بر مسئولیت جنایی؛ با رویکرد به نظام حقوقی کشورهای اسلامی

سید دُرید موسوی مُجاب^۱

استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، d.mojab@modares.ac.ir

چکیده

امروزه در اغلب نظام‌های حقوقی جهان، در پی دگرگونی‌های بنیادین قانونی و تحت تأثیر یافته‌ها و آموزه‌های نوین در عرصه مسئولیت جنایی، ضرورت احراز شرایط و اوصاف پیشینی و مقدم بر التزام شخص به تحمل عواقب رفتار مجرمانه، مورد تأکید قرار گرفته است؛ بر این پایه است که در مواد قانونی متعدد به تصریح یا به‌تلویح از ضرورت آگاهی و اراده (علم و عمد) یاد شده است. در این میان، توجه ویژه به اراده و مؤلفه‌های اساسی آن یعنی درک، سنجش، خواست درونی، تنفیذ و نیز تحلیل اثر ایراد خدشه بر هر یک از آن‌ها در حوزه موانع تحقق مسئولیت جنایی ضروری است. در روند تکوین رفتار ارادی، به‌هم‌پیوستگی نظام‌مندی بین مؤلفه‌های آن مشهود است. ایراد خلل به هر مؤلفه، رفتار ارتكابی را از انصاف به وصف ارادی خارج می‌کند؛ در حقیقت، ایراد خدشه به مؤلفه یا مؤلفه‌هایی از اراده، زوال تام یا نسبی مسئولیت جنایی را در پی خواهد داشت. اثبات وجود اراده در همه جرائم، خواه عمدی یا غیرعمدی ضروری است و این موضوع بیش از آنکه جنبه قانونی داشته باشد، جنبه طبیی - تخصصی دارد. برداشت مُجمل قانون‌گذار کیفری از مفهوم اراده و تعبیر کلی وی در این زمینه از چالش‌های مهم قانون مجازات اسلامی در بخش مسئولیت جنایی است. در نظام حقوقی اغلب کشورهای اسلامی، قانون‌گذار کیفری ضمن بازشناسی مفهوم اراده از سایر مفاهیم به‌ظاهر متشابه از جمله قصد و عمد و اختیار به اثر مترتب بر ایراد خدشه به هر مؤلفه از مؤلفه‌های اراده، به‌مثابه یک کیف نفسانی توجه داشته و به‌طور مشخص، ضمن تأکید بر ضرورت احراز اراده آزاد در ارتكاب رفتار، بدون انحصار در یک چهارچوب مشخص یا از پیش تعیین شده، بر اهمیت نظر کارشناسی و تخصصی در احراز وجود یا نبود اراده تأکید کرده است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، تلاش می‌شود ضمن تبیین ماهیت و اهمیت اراده، رویکرد قانون‌گذار در این رابطه مورد تحلیل و نقد واقع شود.

کلیدواژه‌ها: اراده، اهلیت جنایی، مسئولیت جنایی، موانع تحقق مسئولیت جنایی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸

استناد: سید دُرید موسوی مُجاب، (۱۴۰۳). اراده و تأثیر آن بر مسئولیت جنایی؛ با رویکرد به نظام حقوقی کشورهای اسلامی، *آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی*، ۶۴-۸۲، (۱) ۱.

DOI.ORG/10.22091/DCLIC.2024.2779

ناشر: دانشگاه قم © نویسندگان نوع مقاله: پژوهشی

در سیر تحول تاریخی در حقوق جنایی، بحث راجع به مسئولیت جنایی^۱ افراد، صرف نظر از تفاوت‌های کمی و کیفی، همواره در مقاطع زمانی و مکانی مختلف مطرح بوده است؛ البته متناسب با پیشرفت فکری و فرهنگی جوامع، مسئولیت جنایی افراد و حدود و ثغور آن در برابر کنش‌های واقعی، توازن و تناسب انسانی تری یافته است.

امروزه، در پرتو قواعد و مقررات گذشته با توجه به سادگی و محدودیت در کارایی، نمی‌توان اقدامی صورت داد. گستردگی جوامع، افزایش جمعیت انسانی و تحوّل در همه شئون، مقتضی تغییر نگرش است.

برای آنکه بتوان کسی را از حیث جزایی مسئول دانست، صرف ارتکاب رفتار ممنوعه یا ترک وظایف قانونی کافی نیست. مرتکب باید از نظر اخلاقی و به‌طور طبیعی، قابل سرزنش باشد؛ لذا طرح عنوان مسئولیت و نگرش به انسان به‌عنوان یک عامل اخلاقی^۲، منجر به این نظر شد که سرزنش و مجازات فقط در صورتی ممکن است که شخص، ارتکاب جرم را با آگاهی و توانمندی ارادی برگزیده باشد (Clarkson, 1987: 27). بر این پایه می‌توان گفت، مبنای سرزنش‌پذیری و استقرار مسئولیت اخلاقی بزه‌کار، بهره‌مندی از توانمندی عقلانی و ارادی یا همان آگاهی و اراده است تا اینکه شخص را بر فهم رفتار مجرمانه خویش توانا سازد (خضری، ۱۹۷۱: ۴۷۸).

اندیشمندان و نظریه‌پردازان علوم جنایی، با انتقاد از رویکرد مادی صرف در حوزه مسئولیت جنایی، بر ضرورت توجه به موازین اخلاقی و انسانی تأکید داشته‌اند. چنانچه، پذیرفته شود که ویژگی سرشت‌نمای مجازات، اعمال درد یا رنج بر محکوم است و این درد و رنج به‌واسطه محدودیت‌هایی رُخ می‌دهد که در حق‌های محکوم از جمله حق حیات و حق آزادی و حق مالی صورت می‌پذیرد، آنگاه ناگزیر باید تصدیق شود که مجازات، جلوه‌ای از خشونت^۳ است، خشونتی که به‌واسطه حکم حکمرانان بر محکومان اعمال می‌شود. این خشونت، بر پایه موازین فلسفه کیفر، مستلزم توجه است (Kaufman, 2013: 7). توجه رواداری کیفر در حق محکوم یا سزاواری وی به تحمل بار تبعات جزایی رفتار، جز در سایه اثبات قابلیت توجه مسئولیت جنایی به شخص ممکن نیست.

از یک‌سو، با پذیرش این حقیقت که قوانین کیفری اصولاً در مقام تعیین چهارچوب مسئولیت جنایی‌اند و از سوی دیگر، با اثبات این موضوع که مسئولیت، خود، مسبوق به لزوم احراز پیشینی اهلیت جنایی^۴ بر پایه آگاهی و اراده است، به‌روشنی می‌توان به تأثیر و نقش موضوع اخیر پی برد.

بحث اراده، با آنکه اساساً مدخل ورود به حقوق جنایی است، متأسفانه در ادبیات حقوقی ایران، به‌درستی شناخته نشده است. همچنین، به‌رغم تحولات قانونی شکل‌یافته در باب مسئولیت جنایی، به نحو مذکور در بخش چهارم از کتاب اول قانون مجازات اسلامی (کلیات) و ضمن مواد ۱۴۰ تا ۱۵۹، تحت عنوان شرایط و موانع مسئولیت کیفری اهلیت جنایی بر محوریت آگاهی و به‌ویژه اراده، آن‌گونه که بایسته است، مورد توجه قانون‌گذار واقع نشده است.

1. Criminal Liability
2. Moral Agent
3. Violence
4. Criminal Capacity

ضرورت اثبات ارادی بودن رفتار ارتكابی تا جایی است که در کشورهای تابع «نظام کامن‌لا»^۱ بر این مهم تأکید می‌شود که دادگاه مکلف است «بدون هیچ شک و شبهه معقولی»^۲ ثابت نماید که اقدام متهم به ارتكاب جرم، به شکل ارادی و با قصد ارتكاب رفتار مجرمانه بوده است. در این ارتباط، «کمیسیون اصلاح قوانین ویکتوریا»^۳ در انگلستان، هرگونه حرکت خودبه‌خودی (اتفاقی) از قبیل خوابگردی،^۴ اغمای ناشی از بیماری دیابت،^۵ کاهش گلوکز خون،^۶ آسیب‌های مغزی ناشی از حوادث^۷ و دیگر حالت‌های مشابه را مؤثر بر زوال مسئولیت جنایی به‌طور تام یا نسبی دانسته است (Law Reform Commission of Victoria).

در قوانین و مقررات دیگر کشورها از جمله دانمارک و ایتالیا، قانون‌گذار به‌صراحت به عقب‌ماندگی ذهنی،^۸ اعتیاد به مواد دارویی خاص، اختلال ادراک در اثر افزایش میزان قند موجود در خون^۹ در بیماران دیابتی (ماده ۱۶ قانون مجازات دانمارک) و نیز وضعیت اشخاص کرولال^{۱۰} در صورتی که از نظر ذهنی قادر به انجام یا درک موضوعی نباشند (ماده ۸۸ قانون مجازات ایتالیا) اشاره کرده است (موسوی مجاب، ۱۳۸۸: ۱۹۹).

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قانون‌گذار با به‌کار بردن اصطلاح اختلال روانی به‌جای جنون، فقدان اراده یا قوه تمیز - به اعتبار مراتب متغیر سطح توانمندی ارادی و تشخیصی - بی‌هوشی و مانند آن، مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف مواد مخدر و روان‌گردان و مانند آن تا حدی از مشکلات پیش‌روی نظام قضایی کاسته است. هرچند، همچنان چالش‌های نظری و عملی بسیاری در حوزه مسئولیت جنایی مطرح است.

اراده به‌عنوان رکن اساسی اهلیت برای پذیرش مسئولیت جنایی، نیرویی نفسانی است که به‌واسطه آن، شخص می‌تواند سلباً یا ایجاباً اقدام نماید. در حقیقت، ضرورت وجودی آن به‌عنوان عنصر بنیادین مشترک در تمامی جرائم - خواه عمدی و خواه غیرعمدی - تردیدناپذیر است و این موضوع، مورد اجماع حقوقدانان است (محمدزکی، ۱۶۷-۳۹، ۳۲-۳۱، ۱۶). از نظر تحلیلی، پیش‌شرط انتساب مسئولیت جنایی، احراز اهلیت جنایی است و هرگونه خللی که به آن وارد شود، تحقق مسئولیت جنایی را با مانع روبه‌رو می‌سازد.

به‌طورکلی، برای تحقق مسئولیت جنایی، به دو عنصر اساسی نیاز است: نخست، توانایی ذهنی برای تمیز امور؛ دوم، آزادی اراده. هر یک از این دو عنصر، شرط لازم - و نه کافی - برای تحقق مسئولیت جنایی است و در صورت فقدان هر یک، امکان توجه مسئولیت به فرد منتفی است (Wharton, 1989: 51-53).

1. Common Law System
2. Beyond any reasonable doubt
3. Law Reform Commission of Victoria
4. Somnambulism
5. Diabetic Coma
6. Hypoglycemia (Low Blood Glucose)
7. Post-traumatic concussion
8. Retard Mental
9. Hyperglycemia (High Blood Glucose)
10. Deaf-mute

آگاهی و اراده آزاد، اساسی‌ترین شاخصه مسئولیت جنایی است. در این بین، اراده به‌رغم اختلاف‌های فلسفی و نظری راجع به آن در خصوص مسئله جبریت^۱ و حتمیت علی (موجبتت)،^۲ اختیار و آزادی از جایگاه ویژه‌ای در مباحث حقوق جنایی برخوردار است. این مسئله، آن‌گونه که «بین»^۳ فیلسوف انگلیسی بیان داشته، بحث بسیار مهمی است که اهمیت جدیدی در فلسفه معاصر یافته است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان آن را کلید حل بسیاری از مشکلات فلسفی دانست. در این ارتباط، جدال نظری میان فلاسفه در مورد سازواری یا ناسازواری نظام علی (جبر باوری) و توانمندی ارادی و نفسانی انسان را نباید از نظر دور داشت. از این موضوع در فلسفه اسلامی، به مسئله جبر و اختیار یاد می‌شود، مسئله‌ای که با مسائل اجتماعی و حقوقی پیوند عمیقی یافته است (زکریا، ۱۹۷۲: ۱۰).

رویکرد مکاتب مختلف حقوق کیفری در خصوص مبنای مسئولیت جنایی و در ارتباط با تأثیر اراده بر وقوع پدیده مجرمانه، سبب طرح مسئولیت اخلاقی یا مسئولیت اجتماعی، در دو موضع متفاوت با آثار گوناگون در حوزه مباحث نظری و به تدریج، در قوانین کیفری شده است. از منظر جرم‌شناختی نیز از همان ابتدا، جبریت جنایی، مطمح نظر بانیان مکتب تحقیقی بوده است.

در نوشته‌ها و آثار حقوقی، کمتر به تحلیل اراده و تبیین عناصر و مؤلفه‌های آن پرداخته شده است. حقوقدانان، پیش از آنکه به بحث درباره مبنای، مبادی، مراحل شکل‌گیری اراده و نیز تشریح چگونگی ایراد خلل بر هر از مؤلفه‌های آن بپردازند، اجماًلاً به بررسی آثار اراده پرداخته‌اند.

در قلمرو حقوق جنایی، استعمال لفظ اراده چه در متون قانونی و چه در گفتمان حقوقی، فقط در قالب معنای لغوی و محدود آن، یعنی خواست و میل، یا در قالب مفاهیم به‌ظاهر متشابهی همچون قصد و اختیار اساساً پذیرفته نیست.^۴ زیرا بر معنای اصطلاحی و مفهوم حقوقی واژه مزبور به اعتبار عناصر و مؤلفه‌های لازم، آثار نظری و عملی بسیاری مترتب می‌شود. در مباحث حقوق کیفری عمومی و در تحلیل رکن روانی جرم، از تعلق اراده به عمل مجرمانه به‌عنوان «سوءنیت عام»^۵ که قدر مشترک در عموم جرائم، خواه عمدی یا غیرعمدی است و از تعلق اراده به نتیجه مجرمانه به‌عنوان «سوءنیت خاص»^۶ در جرائم عمدی تعبیر می‌شود؛^۷ بی‌آنکه مفهوم واقعی و مؤلفه‌های اصلی اراده در حوزه «موانع مسئولیت جنایی»^۸ که از اهمیت خاصی برخوردارند، روشن گردد (عبدالمنعم و محمد عوض، ۱۹۶۶: ۲۲۲-۱۹۸).

1. Fatalism

2. Determinism

3. Bain

۴. نکته‌ای که باید به آن اشاره داشت اینکه قانونگذار در مواد متعددی از قانون مجازات اسلامی، همچون مواد ۱۵۴ و ۳۰۷، مفهوم اراده و اختیار را در هم آمیخته است. آنچه در حوزه مسئولیت جنایی محل اعتبار و تحلیل است، اراده می‌باشد، نه اختیار که النهایه مفهوم اخیر در بحث‌های نظری و در ارتباط با اراده مرتجیح (بین امر راجح و مرجوح) مجال طرح می‌یابد. از نگاه فلسفی، هر فعلی که بر اساس اختیار از سوی فاعل صادر می‌شود، ناگزیر دارای مرتجیحی است که آن را غایت و غرض می‌نامند. این مطلب، به تعبیر فلاسفه در قالب این قاعده مطرح است که: «كُلُّ فِعْلٍ إِخْتِيَارِيٍّ لَا بُدَّ لَهُ مِنْ مُرْتَجِحٍ غَائِيٍّ». در اینجا، غایت، علت فاعلیت فاعل است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۳: ۳۲۲). به طور خلاصه می‌توان گفت اختیار، توانایی سنجش و انتخاب آزادانه یک موضوع از میان موضوعات مختلف (امور متعارضه) است؛ بی‌آنکه شخص تحت فشار (اکراه) باشد.

5. General Intention

6. Specific Intention

۷. در جرائم عمدی، اراده به اعتبار تعلق به فعل و نتیجه، متصله است؛ حال آنکه، در جرائم غیرعمدی به جهت تعلق به فعل نوعاً غیر آسیب‌زننده و توقف در

آستانه نتیجه، منقطع است.

8. Causes de non-imputabilité

به نظر می‌رسد، بی‌توجهی به مفهوم اراده و نادیده گرفتن تأثیر اراده بر مسئولیت جنایی، سبب بروز ابهام‌های حقوقی و قانونی می‌شود، اراده‌ای که مرکب از عناصر و مؤلفه‌های چندی است و هر یک در ارتباط با موانع «مسئولیت جنایی مجال طرح می‌یابند».

۱. ماهیت اراده و قلمرو آن در حقوق جنایی

اراده،^۱ واژه‌ای عربی از ریشه «رَوَدَ» است. این واژه، مصدر ثلاثی مزید و متعدی از باب افعال بوده که پس از اِعلال قلب، به دلیل اُجوف واوی بودن، به این صورت درآمده است.

واژه اراده به معانی خواست، میل، رغبت، عزم و تصمیم آمده است (Ba'albaki, 1999). همچنین اراده در معنای توانایی آگاهانه و اقدام مبتنی بر تدبیر و سنجش نیز آمده است (Black, 1990: 1598).

بسیاری از اندیشمندان، به‌ویژه فلاسفه، یادآور شده‌اند که هر چند معنای اراده در نگاه اول روشن و بدیهی است، اما تعریف آن به‌گونه‌ای که تصویری حقیقی از آن به دست آید، دشوار است. لذا، از این حیث به دیگر امور وجدانی شباهت دارد که جزئیات آن‌ها را به‌آسانی می‌توان دریافت، اما شناخت ماهیت کلی آن‌ها آسان نیست (الشیرازی، ۱۴۱۰: ۳۳۷-۳۳۶). در واقع، به همان اندازه که تصدیق به وجود اراده در انسان، امری بدیهی و وجدانی است، شناخت معنا و حقیقت اراده، کاری بس دشوار و پیچیده است. به همین دلیل، به‌رغم وحدت نظر اندیشمندان در خصوص وجود اراده در انسان، در تبیین و تشریح ماهیت کلی آن اختلاف نظر وجود دارد.^۲

در فلسفه اسلامی، اراده در غیر خداوند، به‌عنوان یکی از شئون نفس مطرح است و برخی از فلاسفه آن را به‌طور صریح در زمره کیفیات نفسانی آورده‌اند.^۳ «کندی» اراده مخلوق را قوه‌ای نفسانی می‌داند که از انگیزه‌های برمی‌خیزد و به عمل می‌گراید (کندی، ۱۳۶۹: ۱۷۵). فارابی اراده را نیرویی درونی می‌داند که به میل و خواست انسان فعلیت می‌بخشد. به تعبیر وی، «آنگاه که معقولات اولیه برای انسان حاصل می‌شود، طبعاً در انسان توجه و تمایل به بعضی از ادراکات و استنباطات عقلی یا کراهت نسبت به آن‌ها حاصل می‌گردد».

این تمایل به ادراکات، اراده نامیده می‌شود و اگر این تمایل نسبت به ادراکات حسی و خیالی نیز حاصل شود، با عنوان عام «اراده» نام‌گذاری می‌شود...» (الفارابی، ۱۴۲۱: ۵۲). ابن‌سینا نیز معتقد است که اراده کردن یک چیز، به معنی تصوّر آن چیز است. به‌گونه‌ای که میان تصور و متصور، سازگاری و موافقتی باشد (ابن‌سینا، ۱۴۱۱: ۱۶).

با توجه به تعاریف پیش‌گفته، می‌توان گفت اراده در زمره «کیفیات نفسانی» است که از اجتماع مقدمات متعدد و گرایش‌های متنوع در نفس پدید می‌آید. صورت‌بندی این مقدمات، مطابق آرای مشهور متکلمان و حکما در قالب تصور

۱. در زبان انگلیسی، "Volition" یا "Will"، در زبان فرانسه "Volunté" و در زبان آلمانی، "Der Willen" به معنای اراده آمده است.
۲. از آنجا که اراده، بیش‌تر اصطلاحی کلامی و فلسفی است تا فقهی و حقوقی و اگر در فقه و اصول هم مورد بحث واقع شده، عاریت گرفته از کلام و فلسفه است، لذا ضروری است به برخی از دیدگاه‌های راجع به ماهیت اراده و فرایند شکل‌گیری آن اشاره شود.
۳. شایان ذکر است در فلسفه اسلامی، از اراده تخلق‌ناپذیر الهی به اراده تکوینی تعبیر می‌شود؛ حال آنکه در مقابل، از اراده تشریحی یا به تعبیری اراده تخطی‌پذیر انسان بحث می‌شود.

موضوع و ادراک آن، بررسی فایده آن (مرحله تدبیر)، تصدیق به فایده، تمایل به موضوع و اشتداد میل به آن و رفع موانع، شوق مؤکد، قدرت بر انجام و اجرای آن تبلور می‌یابد.

۱-۱. قلمرو اراده در رکن مادی جرم

برخی حقوقدانان، اراده را در ارتباط با رکن مادی جرم که ناظر بر تبلور فعل و انفعال ذهنی مرتکب در عالم خارج است، تحلیل می‌کنند. با توجه به اینکه رکن مادی هر جرم و مهم‌ترین عنصر آن، یعنی رفتار مجرمانه تا زمانی که بر اراده متهم مبتنی نباشد، برقراری ارتباط بین رفتار ارتكابی و مرتکب ممکن نخواهد بود.

برخی حقوقدانان، اراده را مرتبط با رکن مادی جرم دانسته‌اند (محمد صفوت، ۱۹۸۶: ۱۲۱)؛ چون ملاک انتساب رفتار مجرمانه به متهم، وجود پیشینی اراده و ابتدای رفتار بر پایه آن است. به دیگر سخن، رفتار غیرارادی، مصداق رفتار مجرمانه نخواهد بود. در نتیجه، با انتفای وصف ارادی برای رفتار ارتكابی، امکان انتساب رفتار به مرتکب و مسئول دانستن وی منتفی است (محمد عوض، ۱۹۸۰: ۵۷). در همین خصوص، پروفیسور «گلانویل ویلیامز»^۱ بین شرایط اراده و قصد جنایی تفاوت قائل است و اراده را عنصری از رکن مادی جرم می‌داند. هرچند در همان زمان، اراده را قصد مجرمانه و در نتیجه مرتبط با رکن روانی جرم می‌انگارد (Williams, 1961: 11-15).

این دیدگاه که قلمرو اراده را ابتدا در رکن مادی جرم مطرح می‌کند و همزمان آن را به‌عنوان قصد مجرمانه و در ارتباط با رکن روانی جرم مورد بحث قرار می‌دهد، به دلیل عدم ابتنا بر مبنای مستدل حقوقی، دامنه و قلمرو متغیری یافته است. به نظر می‌رسد، طرح چنین دیدگاهی از آن‌روست که اراده به‌عنوان مقوله‌ای از کیفیات نفسانی تنها در پرتو تظاهر مادی و خارجی در قالب رفتار انسانی شناسایی و تبیین شده است؛ به دیگر سخن، توجه ویژه به این مطلب که چنانچه رفتار مجرمانه از اراده متهم برخاسته باشد سبب انقطاع این رفتار از او می‌شود، زمینه‌ساز طرح چنین دیدگاهی شده است. هرچند، ملاک انتساب رفتار مجرمانه به متهم، وجود اراده در پس این رفتار است، اما این موضوع به این معنی نیست که قلمرو اراده در رکن مادی جرم است. ضمن آنکه، ارادی بودن، تنها «وصف» رفتار ارتكابی است.^۲

در مقابل دیدگاه یاد شده، دیدگاه دیگری مطرح است که به بررسی و تبیین قلمرو اراده در رکن روانی جرم می‌پردازد. این موضوع در مبحث بعد، بیان خواهد شد.

۱-۲. قلمرو اراده در رکن روانی جرم

از آنجاکه، از منظر قانونی برای تحقق جرم، صرف ارتكاب رفتار مادی کافی نیست و برقراری رابطه نفسانی بین مرتکب و مؤلفه‌های مادی جرم نیز ضروری است و درعین حال بنیان رکن روانی جرم بر پایه اراده و آگاهی استقرار یافته است؛ لذا قلمرو اراده در رکن روانی جرم بررسی می‌شود.

دادرس باید با در نظر داشتن حالت نفسانی شکل یافته در وجود شخص - در جریان ارتكاب رفتار مادی - وی را از حیث روانی، مسئول تلقی کند (حومد، ۱۹۸۵: ۱۲). به‌طورکلی، فرض بر این است که قصد و خطای ذهنی، قدرت بر جهت‌دهی

1. Glanville Williams

۲. تفصیل مطلب در این ارتباط، مقتضی طرح بحث در پژوهش مستقل و مبسوطی است که با توجه به مجال محدود در این پژوهش، به همین میزان اکتفا می‌شود.

اراده به‌سوی رکن مادی جرم است. قوانین کیفری، عمدتاً به تعریف رکن روانی جرم (فعل و انفعال ذهنی مرتکب) نمی‌پردازند؛^۱ بلکه اراده تعریف را به حقوقدانان می‌سپارند (آزمایش، ۱۳۷۶).

اساساً انسان آنگاه که در وجود خود احساس نیاز کند، راه‌های مختلف رفع نیاز را بررسی می‌نماید و با سنجش برآیند مضار و منافع، درنهایت عزم خویش را در قالب خواست درونی جزم می‌کند و سپس خواست موردنظر را به مرحله انجام و اجرا می‌رساند. روند یاد شده، مبین توالی حالت‌های ذهنی پیچیده در اندیشه یک شخص است که در پایان در قالب وقوع رفتار خاصی تجسم می‌یابد.

به دیگر سخن، تحلیل روانی اراده و تبیین روند شکل‌گیری آن، اصولاً در ارتباط با قوای ذهنی است. از مطالب پیش‌گفته، می‌توان دریافت که اراده به‌رغم اختلاف‌نظرها و چالش‌های بسیار، محور اصلی و اساسی مباحث حقوق جنایی و به‌ویژه مسئولیت جنایی است. بر این پایه، از رکنیت اراده در مسئولیت جنایی سخن می‌رود (نوبهار و خط‌شب، ۱۳۹۶: ۸۷).

۲. جایگاه اراده در عرصه اهلیت جنایی

در ادبیات حقوق جنایی، پیش‌شرط اساسی مسئولیت جنایی که به التزام شخص به تحمل نتایج رفتار مجرمانه تعبیر می‌شود، اهلیت جنایی است. لذا، آنگاه شخص در قبال رفتار مجرمانه خود مسئولیت جنایی خواهد داشت که اهلیت و توانایی تحمل نتایج این رفتار را داشته باشد. این اهلیت اصولاً بر پایه نیروی علم (آگاهی) و نیز اراده آزاد استوار است (العوجی، ۱۹۸۵: ۱۲).

اهلیت جنایی، مجموعه صفاتی است که به‌منظور انتساب جرم به انسان، به‌عنوان مرتکب آن و مسئول دانستن او، قبل از تحمیل کیفر باید احراز شود؛ بنابراین مخاطب حکم جزایی و معاقب آن در صورت ارتکاب جرم، انسان زنده بالغ و عاقلی است که درعین حال، واجد قوه تشخیص و نیز اراده باشد.^۲ اصولاً بین مرحله قابلیت یا اهلیت شخص برای «تحمل» تبعات جزایی رفتار مجرمانه و نیز مرحله «تحمیل» تبعات رفتار یاد شده که ناظر بر «التزام» شخص به قبول تبعات یاد شده است و از آن به مسئولیت جنایی تعبیر می‌شود، باید قائل به تفکیک شد.

در عرصه حقوق جنایی و از نظر اصطلاحی، اهلیت جنایی به مجموع عوامل روانی لازم که امکان انتساب رفتار مجرمانه را به فاعل آن فراهم می‌سازد، اطلاق می‌شود. به دیگر سخن، اهلیت جنایی، اهلیت «اسناد^۳» است. البته، به‌زعم برخی حقوقدانان با اعتقاد به ارتباط مرحله تحمل و تحمیل مسئولیت یا در مفهوم مجرد (انتزاعی) است یا در مفهوم عینی (واقعی)؛ مراد از مفهوم اول، صلاحیت و قابلیت شخص برای تحمل تبعات رفتار مجرمانه است و مسئولیت در این معنی، ناظر بر «صفتی خاص در شخص یا حالتی ویژه» است؛ خواه در نتیجه آن بعدها از سوی فرد، رفتاری واقع شود که برای وی مسئولیت‌زا باشد یا نباشد. اما مراد از مفهوم دوم، تحمیل تبعات رفتار مجرمانه بر شخص است. مسئولیت در این معنا، مجرد صفت یا

۱. شایان ذکر است قانونگذار برخی کشورهای عربی و اسلامی از جمله امارات متحده عربی در ماده ۳۸ «قانون العقوبات (قانون الاتحادی)، رقم (۳) لسنه ۱۹۸۷ م. وفقاً لآخر التعديلات لسنه ۲۰۰۵ و سنة ۲۰۰۶ م.»، تحت عنوان «الركن المعنوی» به تفصیل به ماهیت و بستر تکوین رکن روانی - ضمن تبیین عمد، خطا، اسباب خطای کیفری و دیگر مسائل - پرداخته است. در همین ارتباط، مواد ۳۴ و ۳۵ «قانون العقوبات العراقي، رقم (۱۱۱) لسنه ۱۹۶۹ م. وفقاً لأحدث التعديلات» نیز درخور توجه است.

۲. از منظر فقهی، به مجموع اوصاف یاد شده - یعنی عقل، بلوغ، اراده و قصد - شرایط عامه تکلیف می‌گویند.

حالت قائم به شخص نیست. بلکه، موضوعی متمایز و ناظر بر تحمیل قهری تبعات جزایی است. البته مفهوم دوم، مفهوم اول را به حکم لزوم عقلی دربرمی‌گیرد یا آن را مفروض می‌داند؛ زیرا تحمیل تبعات رفتار مجرمانه بر شخص جز در حالتی که اهلیت این تحمل را نداشته باشد، قابل تصوّر نیست (امام، ۱۹۹۱: ۸۵-۸۴).

به نظر می‌رسد با توجه به اینکه جلوه و جنبه بالقوه مسئولیت جنایی، همواره در ضمن جنبه بالفعل آن مطرح است. در واقع، آنگاه می‌توان قائل به جنبه بالفعل مسئولیت جنایی شد که پیش‌تر، جنبه بالقوه - یعنی مرتبه اعلی نسبت به مرتبه ادنی، «لا به شرط» - موجود باشد، لذا ترجیح داده می‌شود، اصطلاح اهلیت جنایی مورد استفاده واقع شود؛ زیرا در هر شکل، محوریت بحث مسئولیت جنایی با توجه به تعیین جایگاه اراده در آن، مربوط به اهلیت جنایی است. همچنان، آنگاه امکان تحلیل محتوای ذهنی شخص در قالب رکن روانی در عموم جرائم وجود دارد که پیش‌تر، ظرفیت یا اهلیت قانونی و متعارف احراز شده باشد.

۳. ارکان اهلیت جنایی

اهلیت جنایی^۱ بر مبنای دو رکن اساسی، یعنی «آگاهی و اراده^۲» استوار است و هر یک از این دو رکن دارای مؤلفه‌ها، آثار و مراتب خاص است. لازم به یادآوری است در عرصه حقوق جنایی از دو شرط اساسی توجه مسئولیت جنایی، در قالب دو رکن آگاهی و اراده به‌عنوان ارکان بنیادین اهلیت جنایی یاد می‌شود (عالیه، ۱۹۹۶: ۲۷۷). در حقیقت، پیش‌شرط اساسی تحقق مسئولیت جنایی، احراز اهلیت جنایی است که خود، بر دو محور آگاهی و اراده استوار است.

پیش از تشریح ارکان اهلیت جنایی، بیان این مطلب ضروری است که ارزیابی اهلیت جنایی از حیث وجود و عدم، منوط به سنجش طبی و روان‌شناختی و اجتماعی است (خضر، پیشین: ۴۷۹). گراماتیکا، از بنیان مکتب دفاع اجتماعی، اهلیت را مجموعه‌ای از شرایط زیست‌شناختی و روان‌شناختی می‌داند که از منظر قانونی، صدور حکم قضایی بر انسان را به‌عنوان یک فرد هنجارشکن ممکن می‌سازد. وی در مکتب دفاع اجتماعی، دیدگاه خود را در زمینه لزوم مرزبندی علمی اهلیت جنایی، با انتقاد از مرزبندی قانونی آن آشکار می‌سازد.

گراماتیکا در این زمینه اظهار می‌دارد: «قانون‌گذار حق ندارد با پندار موهوم خود، اهلیت جنایی را حسب ماده‌ای از مواد قانونی طرح یا نفی نماید؛ زیرا اهلیت جنایی پدیده‌ای قانونی نیست و همانا پدیده‌ای از پدیده‌های طبیعی بشری است.» بر این اساس، وی از رویه دنبال شده در اغلب قوانین موضوعه کیفری انتقاد می‌کند و معتقد است پایبندی به مرزبندی قانونی دامنه اهلیت جنایی، عدم امکان سنجش درست حالت خطرناک و در پیش گرفتن تدابیر احتیاطی، احترازی مقتضی را در پی دارد. بنابراین، اظهار نظر تخصصی در مورد میزان اهلیت جنایی یک شخص ضعیف‌العقل از حیث درجه اهلیت (کامل و جزئی یا مفقود) به چالش کشیده می‌شود (Gramatica, 1964: 72-90). با این مقدمه، دو رکن پایه در اهلیت جنایی در ارتباط با جرم عمدی و غیرعمدی بررسی می‌شود.

1. Criminal Capacity/Capacité Pénal

2. Knowledge and Volition

شرط اول توجه مسئولیت جنایی، متعاقب احراز اهلیت جنایی، توانایی شخص بر فهم ماهیت رفتار خویش و ارزیابی نتایج مترتب بر آن است. آگاهی به معنی توقع و به‌طریق‌اولی، یقین مجرم به ارتکاب رفتار مجرمانه است. آگاهی، حالت نفسانی در روان آدمی است که جوهره آن خرد و هوشمندی نسبت به جوهره «واقعیت^۱» شکل‌دهنده رکن مادی است. این حالت، برای انسان و در نتیجه فعل و انفعال‌های ذهنی متعدد و مرتبط حاصل می‌شود (بهنام، ۱۹۸۷: ۱۲-۱۱). آگاهی به‌منزله پیوند بین دو واقعه است که یکی در زمان حاضر و دیگری در آینده شکل می‌پذیرد.^۲ به دیگر سخن، آگاهی ارتباط بین دو واقعه است که یکی در زمان حال واقع می‌شود و دیگری در زمان آینده رخ می‌دهد (عبدالمنعم، ۲۰۰۱: ۱۵۰-۱۴۹).

امروزه، در گفتمان قانونی و قضایی و حقوقی کشورهای غربی، واژه «اعتقاد^۳» به‌جای واژه آگاهی به‌مثابه جایگزین^۴ در تعریف بسیاری از جرائم مطرح می‌شود،^۵ دلیل آن نیز مقبولیت قانونی مفهوم اعتقاد، در راستای اهداف قانون‌گذار است، این در حالی است که آگاهی فاقد این ویژگی است. شاید بتوان آگاهی را به «دانستن» و اعتقاد را به «باور داشتن» تعبیر نمود.

دانستن، تنها معطوف به آگاهی از نفس عمل ارتکابی است. حال آنکه باور داشتن، ناظر بر تحقق اقناع و وجود دلیل منطقی از سوی مرتکب است. باورمندی به ممنوعیت یا حرمت رفتار و نیز تبعات و آسیب‌های آتی و احتمالی آن، در هر صورت مفهومی متمایز از آگاهی است. در مثال فروش مواد مخدر به طفل یا نوجوان زیر حد نصاب سنی قانونی از سوی یک فروشنده، آگاهی از ممنوعیت قانونی (علم حکمی) و باور اینکه خریدار به حد نصاب سنی مقرر و قانونی نرسیده، در کنار هم مجال طرح می‌یابند.^۶

در جریان یک واقعه جنسی که مردی با زنی رابطه جنسی برقرار می‌کند، آگاهی به نفس رابطه جنسی (دانستن) و اعتقاد به ممنوعیت یا حرمت رفتار (باور) باید احراز شود. همین‌گونه در خرید یا فروش مال مسروقه، با علم به ماهیت رفتار و اعتقاد به مسروقه بودن مال، این بحث مطرح است (Shute & Simester, 2002: 171-206).

در جرائم غیرعمدی، خطای غیرعمدی، جوهره رکن روانی آن‌ها را تشکیل می‌دهد. اراده در جرائم غیرعمدی، تنها بر نفس عمل ارتکابی فاقد وصف نوعاً آسیب‌زننده تعلق می‌گیرد. ضمن آنکه، برخلاف جرم عمدی و در مورد قصد جنایی، آگاهی بزهکار به عناصر مادی جرم و باور تحقق آن‌ها، فراگیر و شامل نیست. به‌عبارت‌دیگر، چارچوب آگاهی و اراده در خطای غیرعمدی، محدود به برخی عناصر مادی است. در خطای غیرعمدی، مجرم در هنگام عمل به وظایف مربوط در

1. Facts

۲. مراد، آگاهی از رفتار ارتکابی و نتیجه آتی از رهگذر آن است.

3. Belief

4. Knowledge and Belief as Alternative

۵. در مواد قانونی کشورهای تابع نظام کامن‌لو و نیز رویه قضایی شناخته‌شده آنها، جمله «...هر شخص که می‌داند و باور دارد که...»، به‌عنوان عناصر روانی جایگزین و در عین حال مرتبط با هم معمول است.

۶. در رأی صادره از سوی شعبه ۳۰ دادگاه انقلاب اسلامی تهران، در دادنامه به شماره پرونده ۹۵۰۹۹۸۴۴۱۵۶۰۰۷۸۸ در تاریخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۴، در مورد متهم ردیف اول (آقای ع. د. گ.) به اتهام مشارکت در نگهداری ۴۶۲ کیلوگرم مرفین، دادگاه ضمن احراز بزه انتسابی، با این استدلال که سن قانونی نوجوان مشاؤالیه در زمان ارتکاب جرم و دستگیری، کمتر از ۱۸ سال «تمام» شمسی و زیر ۱۹ سال (هیجده سال و یک‌ماه) بوده است، ضمن صدور حکم مبنی بر انعدام مواد مکشوفه، از جهت نگهداری مواد، مستنداً به ماده ۸۹ ق. ا. و ماده ۳۰۴ و تبصره ۲ ق. آ. د. ک.، به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به مدت ۳۰ ماه (مطابق بند الف ماده ۸۹ ق. م. ا.) حکم نموده است.

حدود مقرر، به درستی اقدام نمی‌کند و درجایی که به حکم قانون می‌باید حذر نماید، حذر نمی‌کند. البته، این موضوع مشروط به آن است که تحقق نتیجه مجرمانه را از رهگذر فعل و اقدام خود اراده نکرده باشد (نجیب حسنی، دون تاریخ: ۵۰۵ - ۵۰۳). پس در جرائم غیر عمدی نمی‌توان گفت، مرتکب توقع حصول یا تحقق جرم را در نظر داشته و برای بروز یا شکل‌گیری آن تلاش نموده است.^۱

نقطه مقابل آگاهی، ناآگاهی (فقد العلم یا جهل در دو صورت ساده و مرکب) است که در صورت عدم امکان تحصیل علم برای مرتکب (عاداً) یا در فرض تعدد شرعی، مجازات با مانع مواجه خواهد شد.^۲ پس از این مختصر در مبحث بعد به تشریح رکن دوم اهلیت جنایی (اراده) و مؤلفه‌های اساسی آن می‌پردازیم.

۳-۲. اراده و عناصر مقوم آن

از منظر حقوقی، به‌ویژه در عرصه حقوق کیفری، صرف آگاهی از ماهیت رفتار ارتكابی، برای مسئول دانستن مرتکب کفایت نمی‌کند؛ لذا ممکن است انسان نسبت به رفتار خود آگاه باشد، اما ضرورتاً نسبت به آن مُرید نباشد.

اراده، پدیده‌ای نفسانی و نیرویی است که انسان به مدد آن در مقام کنترل رفتار و تأثیر بر محیط اطراف برمی‌آید. اراده، از حیث مفهومی ناظر بر عملکرد نفسانی دوعدی است:

- بُعد نفسانی داخلی (فعل و انفعال نفسانی)

- بُعد مادی و خارجی (تبلور مادی)

با این توصیف، تصور اراده بدون دو بُعد پیش‌گفته، ممکن نیست. به این اعتبار، حرکت عضو انسان هم جنبه نفسانی و هم جنبه مادی دارد. در ضمن، اراده بدون آگاهی معنا نمی‌یابد. به‌واقع، اراده مرحله تالی آگاهی است (نجیب حسنی، ۱۹۷۴: ۶۵-۶۶).

در آثار حقوقی، کمتر به تبیین و تحلیل اراده پرداخته شده است. همه از اراده و آثار آن سخن می‌گویند؛ اما گویی بحث درباره چگونگی «شدن» آن را بیهوده می‌پندارند. این در حالی است که تشریح بحث مسئولیت و نیز حدود آن، جز در پرتو تحلیل اراده و آثار آن ممکن نیست.

حقوقدانان، اصولاً با عنایت به دیدگاه‌های فلسفی و نیز روان‌شناختی، بنا به اقتضای بحث، با تعابیر نسبتاً نزدیک و متشابهی، مراحل چندگانه‌ای را در خصوص شکل‌گیری اراده و عمل ارادی نام می‌برند. قدر متیقن، حقوقدانان با تحلیل روان‌شناختی اراده، مراحل چهارگانه‌ای را در فرایند تکوین عمل ارادی نام می‌برند (السنهوری، دون تاریخ: ۱۴۹-۱۵۰).

۱. مرزبندی محدوده اندیشه قصد احتمالی و تمایز دامنه آن از قصد غیر احتمالی، محل اختلاف حقوقی است. بر پایه نظریه احتمال یا به تعبیری (Theory of possibility)، قصد احتمالی یا محتمل، در صورتی است که مجرم در هنگام ارتکاب رفتار مجرمانه، احتمال حدوث نتیجه مجرمانه را بر عدم حدوث آن یا تساوی در توقع حدوث هر دو احتمال (وقوع و عدم وقوع) ترجیح دهد؛ اما چنانچه احتمال عدم حدوث نتیجه مجرمانه را بر احتمال وقوع آن ترجیح دهد، مشمول حکم خطای غیر عمدی است. بر پایه نظریه قبول (Theory of acceptance)، مجرم هنگام ارتکاب رفتار مجرمانه، امکان حدوث نتیجه مجرمانه را توقع نموده است و با هدف به آن چشم دوخته است. اثر بحث در جرم غیر عمدی، در جایی است که برای نمونه راننده‌ای با بی‌پروایی (Recklessness)، در میانه روز چراغ قرمز را پشت سر می‌نهد. حال آنکه، شاهد جمعیت عابر پیاده است. حکم این مورد که ناظر بر قبول نتیجه رفتار ارتكابی است با اقدام راننده‌ای که در میانه شب، با نادیده‌انگاری چراغ قرمز، با خودرو حرکت می‌کند و به صورت اتفاقی و از رهگذر بی‌احتیاطی با رهگذری برخورد می‌کند، متفاوت است. در مجموع، بی‌پروایی مبتنی بر پیش‌بینی خطر و نتیجه، با بی‌پروایی ساده یا فاقد وصف یاد شده، متفاوت است. این مهم، در مقررات کیفری ایران مغفول مانده است.

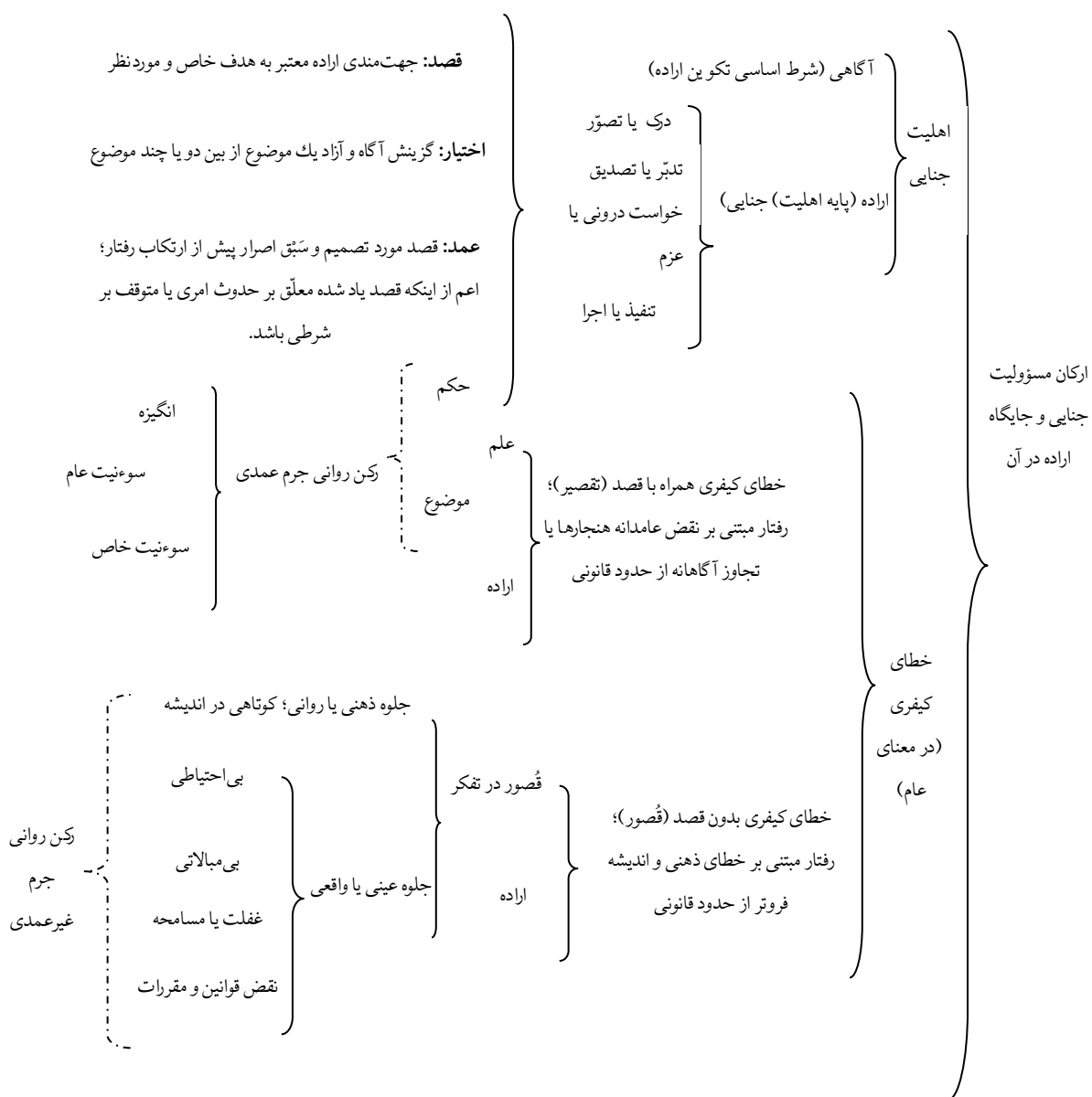
۲. بر اساس ماده ۱۵۵ ق. م. ا. «جهل به حکم، مانع از مجازات نیست؛ مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم، شرعاً عذر محسوب شود...».

نخستین مرحله یا مؤلفه، تصوّر^۱ (ادراک) که گاه از آن به قوه تمییز نیز تعبیر می‌شود، به توانایی خاصی در شخص اطلاق می‌شود که تشخیص ماهیت رفتار ارتكابی و تبعات جزایی و آثار اجتماعی آن را برای مرتکب ممکن می‌سازد (الزّلمی، ۱۹۸۱: ۶۱). پس از مرحله ادراک، نوبت به مرحله تدبیر^۲ یا اندیشیدن می‌رسد. در این مرحله، شخص به ارزیابی کار خود می‌پردازد و انگیزه‌های گوناگون را با هم مقایسه می‌کند تا سرانجام یکی را مهم‌تر و قاطع‌تر می‌یابد و برای رسیدن به آن هدف اقدام می‌کند. سنجش سود و زیان کارها و اندیشیدن درباره نتایج اقتصادی و اخلاقی آن‌ها، مقدمه‌گزینه‌های نهایی داعی برتر یا هدفی است که سرانجام شخص را راضی یا منصرف از انجام کاری می‌کند. پس از مرحله تدبیر در مسیر تکوین رفتار ارادی، خواست درونی^۳ مطرح است.

این مرحله ناظر بر عزم شخص بر تحقق امری است (قرار). سه مرحله پیش‌گفته مبادی نظری تکوین رفتار ارادی است. اما در مرحله چهارم، یعنی تنفیذ یا اجرا،^۴ عمل خارجی بروز و ظهور می‌یابد. اهمیت این مرحله تا جایی است که باید گفت با فقدان آن، اراده تنها در قالب نیت باقی می‌ماند.

با ترکیب مراحل چهارگانه یاد شده، چنانچه اراده در هر مرحله بدون تأثیر عوامل خدشه‌آمیز شکل یابد، اراده معتبر و جازم معنا یافته و آثار قانونی بر آن بار می‌شود. در حقیقت، اراده، در اثر ترکیب اتحادی هر چهار عنصر پیش‌گفته معنا می‌یابد. در مدل مفهومی ارائه شده در صفحه بعد، پایه‌های اهلیت جنایی در جرائم عمدی و غیرعمدی بر محوریت نقش اراده و مراحل تکوین آن، ضمن بازشناسی از مفاهیم به‌ظاهر متشابه، تشریح شده است.

1. Conception
2. Deliberation
3. Internal willing
4. Execution



۴. اثر ایراد خدشه بر مؤلفه‌های اراده

از آنجاکه اراده، جوهره رفتار ارتكابی است، سنگ بنای هر جرمی اعم از عمدی و غیر عمدی است. بر این اساس، باید از اراده به‌عنوان شالوده اصلی اهلیت جنایی و در نتیجه، ستون بنیادین استقرار مسئولیت جنایی یاد کرد. نقش محوری اراده در اهلیت جنایی، تردیدناپذیر است. اراده جازم و معتبر، نتیجه توالی و تعاقب مراحل یا عناصری است که در مجموع، از قوای روحی - روانی سالم ناشی می‌شود.^۱

اراده، کل تجزیه‌ناپذیری نیست؛ بلکه رکنی است که حاوی مؤلفه‌های اساسی مرتبط با مسئولیت جنایی و موانع مربوط است. قدر متیقن، با تحلیل نفسانی اراده، مراحل چهارگانه‌ای به شرح پیش گفته، در فرایند تکوین رفتار ارادی مطرح است. عواملی که اراده را مخدوش می‌کنند، ممکن است در یکی از مراحل تکوین فعل ارادی واقع شوند. چنانچه این عوامل که اصولاً در باب موانع تحقق مسئولیت جنایی از آن‌ها یاد می‌شود،^۲ بر تصوّر واقع شوند و بر آن تأثیر نهند، سبب زوال یا ایراد خدشه بر آن می‌شوند؛ همچنان اگر در مرحله دوم (تدبیر) واقع شوند، سبب فساد یا زوال قوه تشخیص می‌شوند و اگر خواست درونی را تحت تأثیر قرار دهند، آن را از مقومات سالم فارغ می‌سازند و چنانچه بر مرحله اجرایی یا تنفیذ تأثیر گذارند، آن را از انگیزه‌های مربوط جدا کرده یا انگیزه‌های وهمی یا ناصوابی را به آن می‌افزایند.

در این مرحله، تمایل به انجام عمل و رغبت به دستیابی به اهداف آن در معرض اختلال یا زوال قرار می‌گیرد. اراده جازم و معتبر، اراده‌ای است که مراحل چهارگانه یاد شده را بدون تأثیر عوامل خدشه‌آمیز پشت سر نهاده باشد تا از منظر قانونی آثاری بر آن تعلق گیرد.

در روند تکوین رفتار ارادی به‌هم‌پیوستگی، تأثیر و تأثر نظام‌مندی مشهود است. ایراد خلل به هر مرحله از مراحل مذکور، رفتار ارادی را از معنای واقعی خود دور می‌کند. بر همین پایه، ایراد خدشه بر مؤلفه یا مؤلفه‌هایی از اراده، زوال تام یا نسبی مسئولیت جنایی را در پی خواهد داشت.

در باب موانع تحقق مسئولیت جنایی، گاه از حالاتی بحث می‌شود که در نتیجه آن‌ها اراده اعتبار خود را از دست می‌دهد؛ بی‌آنکه قانون‌گذار در این زمینه اشاره‌ای به آن‌ها داشته باشد. رویکرد حصری قانون‌گذار در خصوص موانع مسئولیت جنایی، به‌رغم سادگی و سهولت تطبیق حالت خاص با نص قانونی مرتبط با این اشکال روبه‌روست که امکان اتخاذ تصمیم قضایی مقتضی بر مبنای واقعیت‌های علمی و عینی را تا حد بسیاری محدود می‌کند. مفهوم اراده و تشخیص وجود آن، پیش از آنکه واجد وصف قانونی باشد، برخوردار از وصف طبی و تخصّصی است.

۱۱. در سال‌های اخیر نظریه نوینی در حوزه مسئولیت جنایی و بر محوریت نقش و جایگاه اراده در فضای مجازی شکل یافته که به نظریه دیوارهای فرو ریخته (Collapsed Walls Theory) شهرت یافته است. بر اساس این نظریه، در فضای مجازی و برای نمونه در شبکه‌های اجتماعی ممکن است پیام‌هایی ردّ و بدل شود که در اثر اقدام آبی شخص و بدون وجود یا احراز مؤلفه‌های رفتار ارادی شکل پذیرفته و در نتیجه، اتهامی را - مثلاً در حوزه جرائم علیه امنیت کشور - متوجه فرد کرده باشد؛ حال آنکه متهم ادعا نماید در آن لحظه اراده ارتكاب رفتار مجرمانه را نداشته و تنها به قصد به اشتراک‌گذاری یا طبق عادت همیشگی به منظور آگاهی دیگران از محتوای پیام یا موضوع ارسالی، بر دکمه ارسال دست نهاده است. نظریه یاد شده ضمن انقلاب در حوزه مسئولیت کیفری و در ارتباط با سیر تکوین فرایندگون رفتار ارادی در فضای مجازی بر خلاف فضای واقعی، بسیاری از معادلات قضایی در جریان رسیدگی به پرونده‌های کیفری را بر هم زده است. بدیهی است شرح مبسوط این موضوع، مقتضی بحث مستقلی است.

۲. عواملی همچون جنون، صیغر سن، اکراه یا اجبار، مستی و مسمومیت ناشی از مصرف مواد مخدر در این ارتباط مطرح‌اند.

تا زمانی که بنیان مسئولیت جنایی اراده آزاد است، هر سببی که در نتیجه آن، این علم حاصل شود که اراده به واسطه آن مخدوش شده است، باید منتهی به قبول مانع در مسیر تحقق مسئولیت جنایی شود. انحصار در مصداق، امکان انطباق نص قانونی با حالات فعلی یا وقایع حادث در آینده را که از سوی قانون‌گذار مورد پیش‌بینی قرار نگرفته است، با مانع مواجه می‌کند؛ هر چند حالات یا وقایع یاد شده، مطلقاً نتیجه همان اسباب و مسببات مصرح قانونی را اقتضا کند. در این ارتباط از حالات نزدیک به جنون می‌توان یاد کرد.

اختلال روانی یا ناهنجاری روانی مؤثر بر اراده، حتی در اثر بیماری‌های ژنتیکی و نشانگان بالینی^۱ قابل تشخیص همچون داون و نیز نقیصه‌های عقلی (حالت عته^۲ و بلاهت)، عقب‌ماندگی ذهنی و رشدناپافتگی عقلی، بر قوه تمییز اشخاص تأثیر گذارند؛ اگرچه حالات یاد شده، جنون به معنای اخص کلمه تشخیص داده نشوند.^۳

مستی ناشی از استعمال مواد مُسکر و نشنگی ناشی از استعمال مواد مخدر سنتی یا صنعتی، زوال نیروی آگاهی و ایراد خلل به اراده را در پی دارد. این حالات از حیث اثر متشابه‌اند و مایع یا جامد بودن مواد مؤثر بر بروز چنین وضعیت‌هایی، تأثیری بر اصل موضوع ندارند. از نظر علمی ثابت شده است که آثار ناشی از استعمال ماده مخدر یا روان‌گردان، به مراتب اقوی و اشد از آثار ناشی از استعمال مواد مُسکر است.^۴

در خصوص اکراه نیز می‌توان گفت اگرچه مکره نسبت به ماهیت و تبعات رفتار ارتكابی خود واجد درک (مُدرك) است و پس از سنجش برآیند مضار و منافع احتمالی (تدبیر) اقدام می‌کند، اما این اقدام، مبتنی بر «خواست درونی» و میل حقیقی وی نیست و در واقع، ملزم به انجام و اجرای آن گردیده است؛ لذا «خواست درونی» مکره، مخدوش و «تفئذ» او با اشکال روبه‌روست. به نظر می‌رسد در فرض قتل الجائی (اکراه در حد الجاء)، در عدم امکان قصاص مکره نباید تردید کرد.^۵

در حوزه مسئولیت جنایی اطفال نیز توجه به نقش محوری اراده ضروری است. این حقیقت که رشد عقلی و «توانمندی ادراکی» جوهره مسئولیت جنایی است، باید در کانون توجه قرار گیرد. در باب صِغَر سن، «ادراک» به‌عنوان مؤلفه اصلی اراده، از جایگاه ویژه‌ای بهره‌مند است؛ همچنان در صورت کِبَر سن، نباید ضعف قوه ادراکی نادیده انگاشته شود.^۶ در هر شکل، ایراد خلل به درک یا ضعف آن به‌ویژه در مراحل اولیه رشد انسان تحقق مسئولیت جنایی را با مانع مواجه می‌کند.

چالش‌های نظری، قانونی، قضایی و نیز فشارهای بین‌المللی در خصوص مسئولیت جنایی صغار، ضرورت تعدیل و تغییر حدّ نصاب سنّ مسئولیت جنایی را ایجاب می‌کند. این مهم، در پرتو گفتمان فقه مقاصدی و پویا و نیز با لحاظ واقعیت‌های موجود، قابل حصول است. این مهم که قانون‌گذار در کنار قواعد و مسائل شکلی و نصاب هیجده سالگی، باید مسائل ماهوی

1. Syndrome

۲. «عته»، کم‌خردی و اختلال در روان آدمی - غیر از جنون - است؛ به‌گونه‌ای که کلام فرد در هم‌آمیخته می‌شود. گاه کلام وی، شبیه افراد عاقل می‌شود و گاه شبیه افراد مجنون. البته دامنه اختلال از شخصی به شخص دیگر تفاوت می‌یابد. ادراک و تمییز در اثر حالت یاد شده، به صبی ممیّز ملحق می‌شود و برای شخص معتوه، اهلیت ناقصه ثابت می‌گردد.
۳. تأکید قانونگذار بر اختلال روانی مؤثر بر زوال اراده یا «قوةی تمییز» و مجنون انگاشتن مرتکب و در نتیجه زوال مسئولیت جنایی در ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی درخور توجه است.

۴. قانونگذار، مستی و بی‌ارادگی ناشی از مصرف مُسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان را حسب شرایطی، مانع مجازات دانسته است (م. ۱۵۴ ق. م. ا.).

۵. نک. الموسوی الخونی، السید ابوالقاسم؛ میانی تکملة المنهاج، الجزء الثانی، التجف الأشرف: مطبعة الآداب، ۱۹۷۶ م، ص ۱۳.

۶. این نکته را نباید فراموش کرد که در اثر کِبَر سن، در کنار ضعف جسمانی، گاه بیماری‌های مزمنی حادث می‌شوند که سطح آگاهی و توانمندی شخص را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ لذا این وضعیت نباید نادیده گرفته شود. قانونگذار در بند «ث» ماده ۳۸ ق. م. ا. و در ارتباط با جهات تخفیف مجازات، بر «...وضع خاص متهم از قبیل کهولت و بیماری» تأکید نموده است.

و مسئولیت جنایی را نیز بر اساس همین شاخص سنی بین‌المللی لحاظ نماید، دست‌کم، دادرسان را از محذور عملی و فشارهای بین‌المللی^۱ در زمینه تحمیل مجازات بر مرتکبان زیر سن هیجده سال تمام می‌رهاند.

نتیجه‌گیری

عمومی‌ترین وجه حقوق جنایی، سزادهنگی است، این اقدام در مقام واکنش جزایی به گنش مجرمانه افراد تبلور می‌یابد. حلقه ارتباط و همزه وصل بین گنش و واکنش جزایی، مسئولیت جنایی است که خود بر پایه اهلیت جنایی قوام می‌یابد. در کنار عنصر آگاهی، اراده نیز به‌عنوان جانمایه اهلیت جنایی اهمیت می‌یابد.

اراده پیش از آنکه مجال قانونی برای طرح بیابد، جولانگاه طرح و بحث در علوم مختلف بوده است. امروزه، اراده بیش از هر چیز، از منظر طبی و تخصصی قابل بررسی است. دادگاه‌ها باید با استناد به نتایج بررسی‌های بالینی و پزشکی، نسبت به صدور حکم مقتضی در ارتباط با مسئولیت جنایی یک شخص اقدام کنند. در حقیقت، هر چند اتخاذ تصمیم نهایی در خصوص مسئولیت جنایی یک شخص با دادگاه است، اما این موضوع به معنای طریقت نظر تخصصی و کارشناسی نیست. با توجه به عوامل بسیار متعدد و متنوع تأثیرگذار بر اراده و وضعیت روانی افراد که به‌گونه‌ای بی‌شمار مطرح‌اند، عدم انحصار دادرسان در قالب عناوین خاص قانونی، سبب می‌شود که با تشخیص حالات ناظر بر اختلال اراده افراد از سوی متخصصان متعاقب استعلام یا ارجاع وضعیت از سوی دادرسان، امکان اتخاذ رویکرد واقع‌بینانه‌تر و عادلانه‌تری فراهم شود. امروزه، بررسی‌های روان‌شناختی و مطالعات بالینی با بهره‌گیری از وسایل کارشناسی نوین انجام می‌پذیرد و چهارچوب مسئولیت جنایی بر خلاف گذشته، محدود و محصور در الفاظ قانونی و استنباط‌های قضایی نیست.

توجه به مبادی و مبانی تکوین رفتار ارادی در پرتو یافته‌های نوین علمی ضرورتی است که از سوی قانون‌گذار باید مدنظر قرار گیرد. عمده چالش‌های نظری و قانونی موجود در عرصه مسئولیت جنایی به‌مثابه پُل استقرار حقوق جنایی ناشی از عدم اهتمام جدی قانون‌گذار به اراده است. تبیین صحیح مفهوم اراده و تصدیق قانونی اثر هر مؤلفه از مؤلفه‌های آن، زمینه‌ساز رفع بسیاری از چالش‌هاست. همچنان، بحث راجع به اراده مداخل و ورود به حقوق جنایی است، همزمان، مخرج چالش‌های موجود در حوزه مسئولیت جنایی است.

به‌رغم تحولات قانونی پدیدار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، هنوز حوزه مسئولیت جنایی بر محوریت رکن اراده، از حیث موجبات، شرایط و موانع با کاستی‌ها و چالش‌های بسیار روبه‌روست. در ادبیات حقوق کیفری اغلب کشورهای اسلامی، به‌ویژه عرب‌زبان، به‌طور خاص به اراده و تأثیر آن بر مسئولیت جنایی توجه شده است.

تشریح مبادی و مبانی اراده، تفکیک معنادار مفهوم اراده از مفاهیم مشکک یا به‌ظاهر متشابه، تبیین اثر ایراد خدشه بر هر عنصر از عناصر اراده تنها بخشی از اهتمام حقوقدانان کیفری این کشورها بوده است. تأثیر این ژرف‌نگری و نگاه تحلیلی را

۱. واقعیت مشهود آن است که رویه دوگانه قانونی - از حیث شکلی و ماهوی - در باب مسئولیت جنایی اطفال و نوجوانان، این شباهت را به ذهن تداعی می‌کند که قانون‌گذار در راستای همگرایی و همنوایی با رویه جهانی و خروج از فشارهای بین‌المللی، به‌ناچار، حدّ نصاب هیجده سالگی را در باب آیین دادرسی کیفری پذیرفته است؛ ضمن آنکه، در عمل و بر فرض وقوع جنایت مستوجب حد از سوی صغیر - برای نمونه، طفل ۸ ساله - چگونه دادرسان می‌توانند حکم همپایه‌ای با کبیر لحاظ کنند؟! اینجاست که هم از حیث نظری و هم از حیث عملی، روادعی مطرح است.

در مواد و مقررات کیفری راجع به مسئولیت جنایی در این کشورها باید مشاهده کرد. از این رو، تأکید می‌شود که قانون‌گذار کیفری کشور ما باید با بهره‌گیری از رهیافت‌های نظام‌های پیشرو و مترقی در زمینه بحث، گامی اساسی در جهت حل یا رفع معضلات فعلی بردارد.

منابع

فارسي و عربي

ابراهيمى دينانى، غلامحسين، (١٣٩٣). *قواعد كلى فلسفى در فلسفه اسلامي*، ج ١، ج ٢، تهران: پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي.

ابن سينا، حسين بن عبدالله، (١٤١١). *التعليقات، به اهتمام: عبدالرحمن بدوي*، قم: مكتب الاعلام الاسلامي.

امام، محمد كمال الدين، (١٩٩١). «المسؤولية الجنائية: أساسها وتطورها»، بيروت: المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع، الطبعة الثانية.

آزمایش، سيد علي، (٧٧-١٣٧٦). «تقريرات حقوق كيفري عمومي، مبحث ركن رواني و مسئوليت كيفري»، مقطع كارشناسي ارشد، دانشكده حقوق دانشگاه تهران.

بهنام، رمسيس، (١٩٨٧). النظرية العامة للقانون الجنائي، القاهرة: دار النهضة العربية، دون رقم الطباعة.

حومد، عبدالوهاب، (١٩٨٥). *المفصل في شرح قانون العقوبات (القسم العام): المسؤولية الجنائية*، الجزء الثاني، بيروت: مؤسسة نوفل، الطبعة الأولى.

خضر، عبدالفتا، (١٩٧١). «الأهلية الجنائية بين التحديد القانوني و التحديد العلمي: مناقشة لرأي جراماتيكا في التحديد العلمي للأهلية»، المجلة الجنائية القومية، المجلد الرابع عشر، العدد ٣.

زكريا، ابراهيم، (١٩٧٢). *مشكلة الحرية*: الناشر: مكتبة مصر، الطبعة الثالثة.

الزلمي، مصطفى ابراهيم، (١٩٨١). *المسؤولية الجنائية في الشريعة الإسلامية: دراسة مقارنة*، بغداد: مطبعة أسد.

السنهوري، عبدالرزاق أحمد؛ *نظرية العقد*، المجلد الأول، بيروت: دار إحياء التراث العربي، الطبعة الأولى، دون تاريخ الطباعة.

الشيروازي، محمد صدر الدين، (١٤١٠). *الأسفازا الأربعة*، ج ٦، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

عالية، سمير، (١٩٩٦). *أصول قانون العقوبات (القسم العام)*، بيروت: المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع، الطبعة الأولى.

عبد المنعم عبدالله، فراس، (٢٠٠١). «القصد الجنائي الإجمالي: دراسة مقارنة»، رسالة دكتوراه مقدمه إلى مجلس كلية القانون، جامعة بغداد.

عبد المنعم، سليمان و محمد عوض، عوض، (١٩٦٦). «النظرية العامة للقانون الجزائي اللبناني، نظرية الجريمة و المجرم»، بيروت: المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع، الطبعة الأولى.

العوجي، مصطفى، (١٩٨٥). *القانون الجنائي العام: المسؤولية الجنائية*، الجزء الثاني، بيروت: مؤسسة نوفل، الطبعة الأولى.

الفارابي، محمد، (١٤٢١). *آراء أهل المدينة الفاضلة*، بيروت: دار و مكتبة الهلال.

كندي، يعقوب، (١٣٦٩). *رسائل*، باهتمام: محمد عبدالهادي أبوزيد، ج ١، قاهره.

محمد زكي، محمود، (١٩٦٧). *آثار الجهل و الغلط في المسؤولية الجنائية*، قاهره: دار الفكر العربي، الطبعة الأولى.

محمد صفوت، صفية، (١٩٨٦). *القصد الجنائي و المسؤولية المطلقة (دراسة مقارنة)*، ترجمة عبدالعزيز صفوت، بيروت: دار ابن زيدون، الطبعة الأولى.

محمد عوض، عوض، (١٩٨٠). *قانون العقوبات (القسم العام)*، اسكندرية: دار المطبوعات الجامعية.

موسوی مجاب، سید دُرید، (۱۳۸۸). «نقش اراده در مسئولیت کیفری: با رویکرد به نظام حقوقی ایران»، تهران: انتشارات بهنامی، ج ۱.

نجیب حسنی، محمود، (۱۹۷۴). *النظرية العامة للتقصيد الجنائي*، القاهرة، دونَ إسم مطبعة، الطبعة الثانية.
نجیب حسنی، محمود، (۴۴). «الخطأ غير العمدی فی قانون العقوبات [المصری]»، مجلة القانون، قاهره، العددان ۶ و ۷، السنة الرابعة و الأربعون، دونَ تاریخ الطباعة.
نوبهار، رحیم؛ خط شب، محمدرضا، (۱۳۹۶). «اراده آزاد به مثابه رکن مسئولیت کیفری در جدال سازگارنگاری و ناسازگارنگاری»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، سال پنجم، ش ۹.

لاتین

“Law Reform Commission of Victoria”; see:

Ba’albaki, Munir and Ba’albaki, Rohi; Al-Mawrid Dictionary, 4th ed, Lebanon: Dar El-Ilm Lilmalayin, 1999.

Black, Henry Campbell; Black’s Law Dictionary, 6th ed, U. S. A.: West Publishing Co, 1990.

Clarkson, C. M. V; Understanding Criminal Law, 1st ed, London: Fontana Press, 1987.

Gramatica, Filippo; Principes de Défense Sociale, Paperback, January 10, 1964.

<http://www.parliament.vic.gov.au/lawreform/intox/lra1986-html>.

Kaufman, Whitley R. P; Honor and Revenge: A Theory of Punishment, Springer, 2013.

Shute, Stephen & A. P. Simester; Criminal Law Theory: Dictionary of the General Part, Oxford University Press, 1st ed, 2002, pp. 171-206: Article entitled: ‘Knowledge and Belief in Criminal Law’, by: Stephen Shute & also: Article entitled: ‘Knowledge, Belief, and Culpability’, Written by: G. R. Sullivan.

Wharton, Francis; Philosophy of Criminal Law, W. M. W. Gaunt & Sons Inc, U. S. A, 1989.

Williams, G; Criminal Law: The General Part, 2nd ed, London, 1961